

کمدی فرانسه «لائون»

از مردی با بخود جلب کرد بطوریکه يك مقاطعه کلاسیسیلی بنام «فرانسوا پروکوپيو» (Francois Procopio) مقابل تئاتر بنای کانه ای را برای اولین بار شروع کرد که برای جلب مردم بتئاتر وسیله موثری بود.

شصت دره مان سال بود که (La Fontaine) لافنتن با کمدی «Champmeslé» شان پسله» بیس «La Coupe Enchanté» جام سحر شده» را پایان داد و جهت رد پاید پیرش بیس ها آئین نامه ای تنظیم کرد. (این اولین مفروضاتی است که در این زمینه وضع گردید.)

«تئاتر هنگامیکه بیس را دریافت کرد، مجمع عمومی تروپ تشکیل می یابد بیس هنر پیشه ای بیس را با صدای رسا میخواند، بعد از قرائت آن بیس را بنویسنده اش رد میکند، بیس، در باره آن بیس مجمع نظر خود را اعلام خواهد کرد.»

این آئین نامه نامدنی بعد از تنظیم آن اجرا می گردید، تا آنکه تروپهای «کودنی، داسین، مولیر» که هر یک از آنها فعالیت خاصی می کردند فکر مبادله بیس را طرح کردند، این فکر بواسطه آمادگی شرایطی به مرحله عمل در آمد. اما اشکالاتی بهمپای خود نیز آورد.

«تروپ مولیر» ادعا می کردند که تروپ داسین بیس «آلکساندر» را از آنها سرقت کرده و روح این اشکال را از این جهت بود که هر تروپ با انحصار کردن بیس های با ارزش اهمیت هنری خود را ترویج دهد.

در سال ۱۷۸۲ که شطه های انقلاب کبیر فرانسه زبانه کشید آتش انقلاب شعله این تروپ ها را بفراموشی سپرد. تنها موضوع مورد بحث عمومی بیروزی و آزادی فرانسه بود. بعد از خاموش شدن آتش انقلاب در ۱۶ اوت ۱۷۹۴ بازدهای کپن خانه مولیر بابک دستاویز گشوده شد و برای اینکه بیس بروی صحنه آید فعالیت وسیعی آغاز گردید، همه پسهارا در قی زدند، برای موقعیت هر یک از آنها کوشش هائی بعمل آمده این بار یک روح ملی و تاریخی در کالبد بیجان کمدی فرانسه حلول کرد و قانونی وضع گردید که کمدی فرانسه را یک تئاتر دولتی مبدل ساخت.

در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۱۲ بود که ناپلئون دو جبهه جنگ مسکو زیر شعله های سوزان آتش جنگ از ستاد نظامی امپراطوری در گرپلی فرمانی صادر کرد که بعد از تاریخ هنری فرانسه تحولات را موجد گردید. این فرمان کیفیت سازمانی کمدی فرانسه را روشن مینمود و بدینگونه نزدیک بدو قرن کمدی فرانسه مطابق این قانون اداره میگردد. اما ناگهان طوفانی برخاست و دو آدامشی که قرن ها کمدی فرانسه در پناه آن در مسیر خود پیش می رفت ایجاد وقفه کرد. «تئاتر اودن» (L'odéon) دوبار طعمه حریق گردید. هنوز شعله های این حریق موحش فرو نشسته بود که «تالما» (Talma) فوت کرد و در آن هنگام که جنازه تالما را تشییع می کردند چراغ هستی کمدی فرانسه انقلابی نیز در مسیر طوفان قرار گرفت. هنریشگان پراکنده شدند و وطن اصلی خود را ترک گفت بکشورهای خارجی رفتند.

دو هفدهم فوریه سال ۱۶۷۳ در آن با پیشی بوگولین مولیر «(Jean Baptist - Paaueline Molière) در گذشت با مرک مولیر طریق پیشرفت تروپ هنریشگان پاله روپال (Le Palais Royal) که مورد رقابت تروپ های هتل بود گونی «هتل دمار» هتل ایتالیائی «ساوورنند» متوقف گردید.

لولی (Lulli) همکار مولیر سعی میکرد با جلو گیری از این پراکنده گی فعالیت مجدد هنری هنریشگان «در پاله روپال» آغاز کرد. پادشاه فرانسه نیز تمهید کرده بود که در اتصال آنها را بازی کند و برای بقاء نامشان بکوشد.

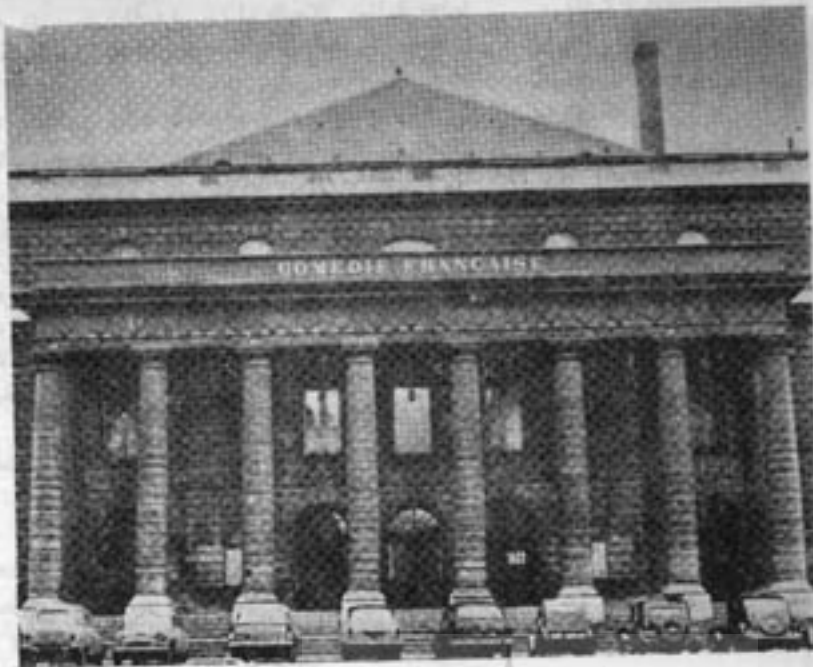
(Armand - Bezart) «آرماند برار» زن وفادار مولیر تنها کسی بود که بعد از مرک و فعالیت وسیعی را برای حفظ نام مولیر و تئاتر فرانسه شروع کرد هم او بود که بکمک چسکی از افراد شایسته تروپ، قراردادهای متعددی با هتل بود گونی و هتل ماره امضاء نمود.

در این هنگام (La Grange) «لا گرانژ» را در این راه همگام شد. لا گرانژ با بیس های مختلفی که بیای بروی سن می آورد توجه هائری چهاردهم را جلب کرد در نتیجه پادشاه فرانسه در ۱۸ اوت ۱۶۸۰ فرمانی صادر نمود و تروپ بود گونی را به پالروپال برگرداند.

در ۲۱ اکتبر همان سال فرمان رسمی و معروف اونی چهاردهم مبنی بر ایجاد «کمدی فرانسه» تسلیم آن تروپ گردید. بدین ترتیب تروپ بود گونی این موسسه هنری بزرگ را بنیان نهاد. بعد از تاسیس کمدی فرانسه مجمع عمومی هنریشگان معروف نسبت بتقسیم رلهای بیس اختلافاتی ایجاد گردید، شاه بواسطه علاقه مفرطی که باین موسسه یافته بود واسطه حل این اختلافات شد و با توجه به خدمات سیاسی هنریشگان این گروه را گشود.

افراد تروپ مادام دو فینه پارا هنرانیها و پیشینیان پادشاه نقشبای خود را با مهادت بیشتری ایفا کردند، در نتیجه رقابتی که بین هنریشگان برای ایفاء رلهای مهم ایجاد گردید راه پیشرفت هنر تئاتر را هموارتر نمود.

در سال ۱۶۸۸ کمدی فرانسه تغییر مکان داد و در ناحیه (Neuve des Fossé - Saint Germain des - Prés) که در قسمت چپ در دهانه سن واقع بود انتقال یافت، انتخاب این مکان جدید از این جهت بود که سالن آن مطابق دلخواه مردم آترمان بود. کمدی فرانسه با ساختن چندین توجیه بسیاری



کمدی فرانسه (داون)

در نوامبر ۱۹۴۳ بیس کفش سنتر اثر (Paul claudel) «پل کلودل» نمایش داده شد این نمایشنامه در سالن «ریشیو» به عرض نمایش گذارده شد، این بیس، حادثه مهمی برای مردم پاریس بشمار رفت زیرا ژان لویی بارو میزبان آنرا تنظیم کرده بود و این میزبان قوی «بارو» را بنام «سرو جان» کلودل معروف ساخت. کلودل ۵ روز پیش از مرگ خود در ۱۷ فوریه ۱۹۵۵ ناظر قدرشناسی مردم فرانسه نسبت به نمایشنامه معروف اش «L'annonce faite à Marie» بود. این بیس ۲۴ سال قبل بنام دختر جوان و پولن «La Jeune fille (Violaine)» که پوسبله هنر پیشگان کمدی فرانسه نوشته شده بود در سال ۱۹۱۲ توسط «Lava و Ligné por» لاوا و لویینه بود. به عرض نمایش گذاشته شد. بالاخره این نمایشنامه ۵ بار پوسبله کلودل تغییر یافت تا اینکه او توانست آن را در سال ۱۹۴۸ بصورت بیس «L'annoe fait à mari» در بیارود. یکی دیگر از مشاهیر ادبیات فرانسه فرانسوا موراوون باک است که در ۲۲ نوامبر ۱۹۳۸ با بیس «A-modée آسود» شهرت یافت. زل اصلی این بیس را فرناد لودو (Fernad Ledou) به عهده داشت و موفقیت بزرگی کسب کرد. از او نمایشنامه های متعددی بروی سن آمد که آخرین آنها نمایشنامه «Le Feu sur La terre» آتش روی زمین است که در سال ۱۹۵۱ بروی سن آمد و با استقبال شایان مواجه گردید.

خلاصه آنکه «کمدی فرانسه» یکی از بزرگترین و قدیمی ترین تئاترهای کلاسیک جهان می باشد که بحال تئاتر هنر خدمت کرده است.

بعلاوه بیکه گفته میشود «مارسل راشبل» در پراکنده گی این سازمان دست داشته است.

در سال ۱۸۴۷ (Vivien) و یوین اعلام کرد که نویسنده گان مشهور دیگر نمی توانند بکاز بیس نویسی بملت کببود درآمد ادامه دهند، ناپلئون سوم به (Arsène Houssaye) «آرسن هوسی» بملت نمایشنامه های شعری که روی سن می آورد اعتراض کرد.

ارسن در پاسخ گفت که اگر اختیاراتی بن نفوس کنند از عمل کبیت تئاتر جلو گیری خواهم کرد.

ناپلئون گفت که «توانین مسکو بایستی احترام گذاشت من از قدرتم تر برای نفوان فرمان، استفاده نخواهم کرد.»

اینهمه نمایشنامه نویسان برجسته ای مانند «مولیر» «اسین» «کورتی» و «لتر» از کمدی فرانسه برخاستند و نمایشنامه های معروفی مانند «Phèdre» «فدر» «Le Cide» «سید» «Zaire» «زایر» به عرض نمایش گذاردند و پایه های یک بنای هنری جاودان را بنیان نهادند و بعد از آن نیز گاه بگاه این گردانندگان تئاتر اختلافاتی بروز می کرد و این اختلافات نیز از فقدان یک رهبر صالح مایه می گرفت، کمدی فرانسه مانند قایق بی بادبانی در یک دریای طوفانی سرگردان بود و در نتیجه دستخوش امواج می گردید بالاخره این قایق سرگردان بادبانی یافت و در پی آن نیز چندی در پیشرفت خود پیدا کرد و هنرهای ادبیات فرانسه که اکنون به اوج کمال خود رسیده پیشرفت کرد. از اینرو امروز کمدی فرانسه مانند موزه ایست که یک پیشنده می تواند در آن مراحل هنری را مورد مطالعه قرار دهد.

مطالعه تاریخ یک ربع قرن کمدی فرانسه که با آثاری چون «Lavoix humaine» «صدای انسانی» اثر ژان گو کتو که در ۱۷ فوریه ۱۹۳۰ بروی سن آمد پایان میابد و پیشرفت عظیمی را که در مسیر تئاتر فرانسه پدید آمده روشن میکند. ژان گو کتو به سن ملی فرانسه ذمعه بود و با نمایشنامه ای نو و برجسته خود در اوارد ادبیات فرانسه نمود این بیس نو و برجسته دارای مضمون چنان جالبی بود که مردم نواستند آنرا بشیر نهند. ولی این بیس که نام واقعی آن «Henaudet Armid» (رندواومید است در فوریه ۵۳ با یک موفقیت درخشان در پاریس شد. بدنبال آن، نمایشنامه دیگری بنام «ماشین تحریر» پیروزی بزرگی بدست آورد.